

موسیقی کلاسیک غربی

به چه اعتباری موسیقی بین‌المللی است؟

□ رضامهدوی

تفکیک نظام آموزشی موسیقی به آموزش موسیقی غربی و ایرانی در دانشکده‌های هنرهای زیبا، هنر و سوره تهران، خواست چندین ساله کارشناسان و هیأت‌های علمی دانشگاهها بود که پس از سالها به وقوع پیوست. با این حال استفاده از واژه نوازندگی ساز جهانی، به جای ساز غربی در بخشنامه مربوط به این تفکیک، اعتراض برخی از صاحب‌نظران و موسیقی‌دانان را در پی داشته است.

بخش موسیقی صفحه فرهنگ و هنر قصد دارد موضوع کاربرد واژه جهانی که گاه به جای موسیقی غربی به کار می‌رود را نزد کارشناسان موسیقی به بحث بگذارد. نخستین پاسخ به این فراخوان را رضا مهدوی، نوازنده، منتقد موسیقی و رییس گروه آموزشی موسیقی دانشگاه سوره نگاشته است که در پی می‌آید.

● فرهنگ و هنر

چه اعتباری «موسیقی بین‌المللی» است؟ مسلماً به دلیل اکثریت شان نیست چرا که اکثر جمعیت جهان یا چینی‌ها و مسلمانان و بعداً با هندوهاست و ملت‌های اروپایی و آفریقایی و آمریکایی در اکثریت نیستند. حتی در نوع موسیقی شان هم فرهنگ‌های متفاوت دارند.

انگلیسی‌آمریکایی و کانادایی است. جالب این که اصطلاحاتی مثل موسیقی بین‌المللی و موسیقی جهانی به هیچ عنوان در کشورهایی که صاحب این موسیقی‌ها هستند شنیده نمی‌شود و این اصطلاحات، مخصوص فضای خودباخته کشورهای غربی

شد، در مصاحبه‌یی به سال ۱۳۵۶ روزنامه‌ها می‌گوید: موسیقیدانهای غرب و عرفان الهام گرفته‌اند و اصلاً تمدد و این کار نیست که جهانیان موسیقی ما من معتقد هر فعالیت هنری که بدور کاری صورت بگیرد، مقدس است. شد ولو این که هنری هم باشد. به هنر موسیقی خا... سبکی غربی

موسیقی جهانی، هم اصطلاحی است مثل «زبان جهانی».!! موسیقی نوعی زبان ارتباطی بین افراد متعلق به یک حوزه فرهنگی است و عده زیادی که با موسیقی آشنایی در حد غیر حرفه‌ای دارند، به سادگی می‌اندیشند که موسیقی (کدام موسیقی!) می‌تواند زبانی باشد برای تمام ملل. واقعیت این است که موسیقی هیچ ملتی قابلیت عمومیت دادن برای سایر ملل را ندارد و همین‌هایی که از نظریه «جهانی شدن» موسیقی پشتیبانی می‌کنند، خودشان به یکی دو نوع یا حداکثر چهار نوع موسیقی گوش می‌دهند و به آنها عادت دارند. دوستانی که موسیقی باخ و موتسارت و برامس و راول را «جهانی» می‌دانند، باید برای آن دلایل کافی داشته باشند. هم دلایل حرفه‌ای و فنی و هم دلایل جامعه‌شناسی. موسیقی کلاسیک غربی به چه اعتباری «موسیقی بین‌المللی» است؟ مسلماً به دلیل اکثریتشان نیست چرا که اکثر جمعیت جهان یا چینی‌ها و مسلمانان و بعداً با هندوهاست و ملت‌های اروپایی و آفریقایی و آمریکایی در اکثریت نیستند. حتی در نوع موسیقی شان هم فرهنگ‌های متفاوت دارند که از وجود موسیقی کلاسیک بی‌بهره‌اند. آیا به دلیل قدمتشان است؟ باز هم جواب منفی است. زیرا موسیقی‌های موجود در هند یا حدود یک میلیارد جمعیت از همه موسیقی‌های دنیا بیشتر قدمت دارد. البته هندی‌ها به دلیل تماس‌های زیاد با اروپاییان توسط انگلیسی‌ها موسیقی‌های هندی را به خوبی به جهان معرفی و عرضه کردند در صورتی که چنین تبلیغاتی برای موسیقی و موسیقیدان ایرانی صورت نگرفت. شواهد تاریخی نشان از آن دارد که روابط فرهنگی و هنری ایران با کشورهای روم، اسپانیا و

یونان قدیم بیشتر از هندی‌ها بود، اما دلیل عدم پیشرفت چه بوده، باید حکومت‌های مختلف در ایران را جست‌وجو کرد. آیا پیشرفت هندی‌ها و حتی در زمان حال عرب‌ها به دلیل سلطه سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی جهان غرب بوده است؟ جواب تا حدی مثبت است. ولی قدرتمندی هیچ تمدن و هیچ کشوری دلیل مشروعیت و حکومت فرهنگ آن کشور بر فرهنگ‌های دیگر نیست. زمانی در سراسر جهان غرب زبان فرانسه، زبان جهانی و نشانه تمدن و فرهنگ بود. بعد انگلیسی بریتانیایی و اکنون انگلیسی آمریکایی و کانادایی است. جالب اینکه اصطلاحاتی مثل موسیقی بین‌المللی و موسیقی جهانی به هیچ عنوان در کشورهایی که صاحب این موسیقی‌ها هستند شنیده نمی‌شود و این اصطلاحات، مخصوص فضای خودباخته کشورهای جهان سوم است. در کشورهای غربی موسیقی را با «صفت» نمی‌شناسند، بلکه با «نوع» یا «ژانر» آن می‌شناسند: موسیقی کلاسیک، موسیقی فولکلوریک، موسیقی پاپ و... ولی در ایران که هنوز تقسیم‌بندی‌هایی از روی بینش علمی صورت نگرفته هر کس به خصوص تحصیل‌کردگان غربی که در دوران طاغوت اعتبارات لازم را برای رشد و ترویج موسیقی غربی آن هم از نوع عقب‌مانده آن مربوط به دو سه قرن پیش به سلیقه خود روی موسیقی اسم می‌گذارند، آن هم بدون در نظر گرفتن بافت سنتی و مذهبی ملی ایرانی. مسلماً آشفتگی بیشتر می‌شود مثل: «موسیقی عرفانی» که هنوز هم تکلیفش روشن نیست و ما نمی‌دانیم چه نوع



موسیقی‌ای را موسیقی عرفانی می‌گویند دیگر چه برسد به اصطلاح «موسیقی جهانی»؟! از ابن خلدون نقل می‌کنند: آخرین هنری که در نتیجه پیشرفت اجتماع صعود می‌کند، موسیقی است و نخستین هنری که در نتیجه سیر قهقرایی اجتماع تنزل می‌کند، باز هم موسیقی است. استاد داریوش صفوت رئیس وقت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران و رئیس گروه آموزشی موسیقی دانشگاه تهران که چند سال گذشته به بازنشستگی نایل شد، در مصاحبه‌ای به سال ۱۳۵۶ در یکی از روزنامه‌ها می‌گوید: موسیقیدانهای غرب، از شرق و عرفان الهام گرفته‌اند و اصلاً تعمد و اجباری در این کار نیست که جهانیان موسیقی ما را بشناسند و من معتقدم هر فعالیت هنری که بدون حقه‌بازی و ریاکاری صورت بگیرد، مقدس است و اگر غیر از این باشد ولو اینکه هنری هم باشد باعث لطمه زدن به هنر موسیقی خواهد بود. در ادامه می‌گوید: موسیقی غربی خطری برای موسیقی ایرانی نمی‌تواند ایجاد کند چرا که موسیقی غربی در حال تکامل، خود به بن‌بست رسیده است و ناگزیر به سوی مشرق‌زمین گرایش نشان می‌دهد. نمونه‌اش اشتوکهاوزن موسیقیدان آلمانی است که بر این مدعا صحنه می‌گذارد و می‌گوید تحت تأثیر عرفان شرق قرار گرفته‌ام.

رواج پیدا کردن اصطلاحاتی مثل «موسیقی علمی» و «موسیقی جهانی» ریشه در ناآگاهی فرهنگی دارد. هیچ موسیقی‌ای غیر علمی نیست و هیچ موسیقی‌ای برای تمام جهان نیست. هر موسیقی‌ای قوانین علمی خاص خودش را دارد و هر موسیقی جهان‌احساسی خاص خودش را. اصولاً موسیقی علم نیست و مثل گذشته که قدما موسیقی را یکی از شعبات علم ریاضی می‌دانستند، این تعریف در تقسیم بندی‌های علمی قدما بوده ولی در حال حاضر با تعاریف جدیدی که از علم به میان آمده، ریاضی و موسیقی از هم جدا هستند. اما این بدین معنی نیست که موسیقی فقط هنر صرف است. اما هر هنری قواعد علمی در بطنش دارد و در اصل، هنر «محیط» بر علم است. موسیقی دانشگاهی ما می‌بایست بر دو تقسیم‌بندی اعتقادی که همانا آیینی و غیر آیینی است بدون هر گونه غرب‌گرایی که تصور می‌شود از واژه «جهانی» برای فرار از تبعات واژه «غربی» که مسئولان جمهوری اسلامی با آن مخالفت دارند، انتخاب شده است و ان‌شاءالله انگیزه نامیمون دیگری مثل قبول داشتن موسیقی غربی به عنوان جهان‌شمول بودن آن متصور نباشد. اگر در دوران نه چندان گذشته در بعضی کشورها، موسیقی کلاسیک اروپایی در حکم یک زبان قراردادی، ویژه ساختن آثاری برای معرفی به جهان صنعتی بود، حالا موسیقی‌های بسیار گسترده‌تر و جهان‌شمول‌تری جای آن را گرفته است مثل انواع موسیقی پاپ. ممکن است بسیاری از کشورها شبیه موسیقی کلاسیک اروپایی را نداشته باشند ولی حتماً شبیه موسیقی پاپ اروپایی و آمریکایی را دارند و انواع موسیقی

پاپ بیشتر از موسیقی کلاسیک در جهان پخش شده است. آیا باید این موسیقی (که صدها گونه مختلف و متنوع دارد) را «موسیقی بین‌المللی» و «جهانی» بدانیم؟ فرا گرفتن زبان انگلیسی از ضروریات زندگی با جهان متمدن است ولی آیا همه دنیا باید انگلیسی حرف بزنند؟ مقصود این نیست که ناسیونالیسم کور و متعصب را ترویج کنیم. بلکه می‌خواهیم بگوییم که ضرورت فراگیری زبانهای جهان نباید توجه ما را از فرهنگ خودمان منحرف کند. زمانی بود که در تمام شبه قاره هند، زبان فرهنگ و ادب و حتی تجارت، زبان فارسی بود و تمام نامه‌های رسمی و سیاسی و متون مهم به فارسی نوشته می‌شد. حالا انگلیسی جای آن را گرفته و سالها حرف آن بود که زبان اسپرانتو جایگزین تمام آنها شود. ولی این باعث نشد که مردم هند، زبان و موسیقی و فرهنگ مادری خودشان را فراموش کنند. همچنان که تکنوازان برجسته آنها در سراسر جهان حتی در تمام فستیوالهای بین‌المللی از گروه‌نوازی به شیوه غربی اجتناب می‌کنند و مردم جهان را دعوت به شنیدن موسیقی اصیل تک‌صدایی می‌کنند.

بهبتر است به جای مغشوش کردن مفاهیم و تعریفها به هر کدام از انواع موسیقی از سنتی ایرانی تا کلاسیک اروپایی و انواع مدرن توجهی در خور و شایسته شود تا ضمن حفظ فرهنگ خودی به طور سنجیده و درست بتوان از مواهب و مزایای تمدن و فرهنگهای دیگر بهره‌مند شد. مسلماً هیچ انگلیسی‌زانی نمی‌تواند توقع داشته باشد تمام دنیا به زبان او حرف بزنند و هیچ غیر انگلیسی‌ای نباید خود را از فرا گرفتن آن زبان بی‌نیاز بداند. اصطلاحاتی نظیر «موسیقی علمی» و «موسیقی جهانی» در هیچ کدام از دایره‌المعارفهای معتبر بین‌المللی وجود ندارد. بلکه اینها در اثر شرایط تاریخی کشورهای شرقی در اوایل قرن ۲۰ به وجود آمده‌اند و نه معادل غربی دارند، نه معنی علمی و نه مشمول بین‌المللی. نیاز فرهنگهای سنتی شرقی به مدون کردن تئوری و نیز تغییر فرم موسیقی از تکنوازی به گروه‌نوازی و ارکستراسیون، این اصطلاحات را به صورت «یجایی» در طی زمان ساخته است. از موسیقی کلاسیک اروپایی توسط عده‌ای قلیل از موسیقی‌شناسان ایرانی تبار که تحصیلات کارشناسی موسیقی دارند به عنوان «جهانی و بین‌المللی» یاد می‌شود. در حالی که در مغرب زمین اصطلاح «موسیقی جهانی» Global music شامل تمام موسیقیهای فرهنگی موجود در جهان امروز است.

حالت استبدادی در این کلمه به معنی در قطب قرار گرفتن یک فرهنگ بیگانه است که دیگر فرهنگهای جوامع بشری را زیرمجموعه خود قرار می‌دهد و اصولاً مرز نداشتن در نوع و تفکر فرهنگی یکی از اصول محسوب می‌شود. می‌توان این ماجرا را اندکی دقیق‌تر در زمان برگزاری جشن هنر شیراز جستجو کرد. در ظاهر این جشنواره به تمامی گروه‌های مختلف داخلی و خارجی می‌پرداخت، ولی با حضور عده‌ای موسیقی‌دانان وابسته و تأثیرگذار در دفتر فرح دیبا و دربار که بعد از انقلاب اسلامی نیز تعدادی از اینان مشاغل دولتی دانشگاهی و مشاوره‌ای را اخذ کردند، جشن هنر به شیوه‌ای سوق یافت که در آن موسیقی غربی نسبت به موسیقی ایرانی و کشورهای جهان سوم برتری یافت و اینگونه زمینه برچیدگی موسیقی اصیل ایرانی هم با تحقیر فرهنگ خودی و موسیقی‌دانان ایرانی محیا شد.

پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۴

ا برار

حل مشکلات گروه‌های موسیقی در دستور کار

انتخاب روز موسیقی گفت: کمیسیون فرهنگی مجلس که باید در این زمینه اعلام نظر کند اعلام کرده نهادهای دیگری که مرتبط با موسیقی نیز باید تأیید کنند که همچنین روزی لازم است. وی ادامه داد: دانشگاه‌ها و مراکز موسیقی مثل حوزه هنری از جمله نهادهای مورد نظر کمیسیون فرهنگی هستند که من فکر می‌کنم آنها نیز تصمیم مثبت خواهند گرفت. وی درباره تعیین روز تولد فارابی به عنوان روز موسیقی گفت: روز تولد فارابی از نظر خانه موسیقی، نسبت به دیگر روزهای دیگر مناسب تر است.

که ندارد ولی می‌تواند تسهیلاتی را فراهم کند. سریر گفت: خانه موسیقی به عنوان یک نهاد صنفی وظیفه خود می‌داند که تمامی تلاش خود را برای حل مشکلات گروه‌های موسیقی به کار گیرد، ما در وضعیتی نیستیم که دست باز عمل کنیم و بگوئیم مثلاً ۵۰ گروه موسیقی در ایران وجود دارد و اگر ۲ گروه موسیقی هم نباشد عیبی ندارد. وی تصریح کرد: البته برخی گروه‌ها ممکن است دلیل نباشند از آنها حمایت‌هایی شود که برای آنها ایجاد کند. موسیقی د

سخنکوی خانه موسیقی گفت: موضوع گروه‌های موسیقی که با مشکلات فراوانی در اجرا در ایران مواجه هستند در دستور کار هیات مدیره خانه موسیقی قرار می‌گیرد. محمد سریر به ایستا گفت: اگرچه به دلیل تعطیلات نوروز، نتوانسته‌ایم موضوع گروه‌هایی مثل گروه کامکار را پیگیری کنیم، ولی ما در خانه موسیقی سعی خواهیم کرد در حد امکان مشکلات چنین گروه‌هایی را حل کنیم. او: البته باید دید حل مشکلات آنها از عهده...



نگاره شهسود

می‌شناسند البته این روز یک روز رسمی و جهانی نیست. روزی که از سوی یونسکو به عنوان روز ملی موسیقی اعلام شده است، روز نهم مهر ماه روز تولد فارابی عارف، فیلسوف و موسیقی دان قرن سوم و چهارم هجری است.

به دنبال پر رنگ شدن برنامه‌هایی که برای روز موسیقی فرانسه در ایران گرفته می‌شد و گزارش‌های پی‌درپی رسانه‌ها که می‌پرسیدند چرا ایران روز موسیقی ندارد، موسیقیدانان به این فکر افتادند تا روزی را با عنوان روز ملی موسیقی ثبت کنند. رایزنی‌های این نهاد صنفی از دو سال پیش آغاز شده است اما هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است. کامبیز روشن‌روان معتقد است ثبت نهم مهر ماه به عنوان روز موسیقی، بر پیشینه و هویت این هنر در ایران تأکید می‌کند: «ثبت روز موسیقی در تقویم کشور باعث می‌شود که حداقل یک روز در سال توجه همه به این هنر جلب شود. این روز زمینه‌ساز تبیین جایگاه موسیقی در ایران است.»

روشن‌روان ورود روز موسیقی به تقویم سراسری ایران را راهی برای پیدا کردن جایگاه واقعی این هنر در جامعه می‌داند: «موسیقی گسترده‌ترین و قدیمی‌ترین هنر این مرز و بوم است. این هنر همواره در طول تاریخ مظلوم واقع شده و دائماً زیر فشارهای مختلف بوده است.»

او ادامه می‌دهد: «موسیقی ابعاد مختلفی دارد. کاربردهای اجتماعی، هنری، آموزشی و علمی این هنر در ایران هنوز شناخته نشده‌اند. این روز بهانه مناسبی است تا دیگر موسیقی را یک تفنّن به حساب نیاوریم. امروزه بیش از صد رشته مختلف در دانشگاه‌ها به صورت تخصصی به موسیقی می‌پردازند. این هنر در جهان جزو پر استفاده‌ترین هنرهاست.

روز موسیقی: در تمام جهان متداول است که روزهایی را به نام وقایع مهم، مشاغل و موضوعاتی که عمومیت دارد نام گذاری می‌کنند. عمومی‌ترین روزی که در جهان به عنوان روز موسیقی شناخته می‌شود، کوتاه‌ترین شب سال یعنی اولین شب تابستان است. این روز ابتدا در فرانسه و بعد از آن در کشورهای دیگر متداول شد. امروز بیش از سی کشور جهان هم زمان در این روز کنسرت‌های متعددی برگزار می‌کنند و هر گروهی سعی می‌کند موسیقی اجرا کند. حتی بعضی از آنها در گوشه خیابان یا پارکها برنامه اجرا می‌کنند. از چند سال پیش تا به حال جمعی از گروه‌های موسیقی جوان و تهیه‌کنندگانی که به آثار کلاسیک و موسیقی در جهان توجه بیشتری دارند، مثل کشورهای دیگر دنیا اقدام به برگزاری کنسرت‌هایی به مناسبت این روز کردند. ایران صد و بیست و یکمین کشوری است که روز موسیقی فرانسه (۲۱ ژوئن) اول تیر را جشن می‌گیرد.

این برنامه‌ها با دعوت گروه‌هایی از فرانسه و اجرای موسیقی تلفیقی در کنار گروه‌های ایرانی آغاز شد که بخش خصوصی مثل نشر همس و بخش نیمه دولتی مثل حوزه هنری سرآغاز آن است.

فرانسه در سال ۱۹۸۱ این روز را به عنوان روز ملی موسیقی معرفی کرد در این روز تمام مردم به موسیقی توجه می‌کنند نوازندگان در اماکن عمومی، فروشگاه‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس و مترو و خیابان به نواختن می‌پردازند. حتی بعضی‌ها روی بالکن منازل خود ساز می‌زنند. ۲۱ ژوئن روزی است که همه مردم به موسیقی توجه می‌کنند بعدها کشورهای فرانسه زبان و کشورهای همسایه فرانسه از قبیل لوکزامبورگ، بلژیک، هلند و آفریقا که به نوعی در ارتباط مستقیم با آن بودند به دنبال فرانسه این روز را جشن می‌گرفتند و امروز پس از گذشت ۲۳ سال ۱۲۱ کشور این روز را به عنوان روز موسیقی

اما در ایران فقط در آوردن آلبوم و برگزاری کنسرت را یاد گرفته‌ایم.» هنرمندان دیگر نیز بارها و بارها بر تأکید وجود این روز در تقویم ملی کشور تأکید کرده‌اند. به ویژه از سال ۱۳۷۹ که رضا مهدوی در روزنامه همشهری رسماً به چنین امری پرداخت.

خانه موسیقی روز نهم مهر ماه، روز تولد فارابی را به عنوان روز ملی موسیقی پیشنهاد کرد و کامبیز روشن‌روان مدیر عامل خانه موسیقی این مطلب را در نامه‌ای به اطلاع شورای فرهنگ عمومی رساند. در این نامه بر اساس مستندات که خانه موسیقی ارائه داده است، این شورا با پیشنهادی که طی نامه‌ای از سوی خانه موسیقی فروردین ماه سال جاری به این شورا ارسال شده است، موافقت کرده و این پیشنهاد را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه داده است تا مراحل لازم برای ثبت این روز در تقویمهای رسمی کشور سپری شود. درست همان زمانی که به نظر می‌رسید این کار به نتیجه رسیده و خانه موسیقی در تدارک برگزاری کنسرتهای مختلفی به مدت یک هفته در تالار وحدت بود، خبر تصویب روز موسیقی از سوی شورای فرهنگ عمومی تکذیب شد. شورای فرهنگ عمومی با ارسال نامه‌ای به مطبوعات اعلام کرد: «مطابق مصوبه دویست و نود و پنجمین جلسه مورخ ۷/۹/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نامگذاری روزهای خاص منوط به تأیید شورای فرهنگ عمومی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.»

این شورا روند نامگذاری روزهای خاص را اینگونه اعلام کرده است: «ابتدا پیشنهاد روز مذکور از سوی بالاترین مقام دستگاهها و سازمانهای دولتی به عنوان متولی برگزاری برنامه‌های پیشنهادی در روز خاص به شورای فرهنگ عمومی ارائه و پس از کارشناسی اولیه در کمیسیون نامگذاری روزهای خاص، در صحن شورای فرهنگ عمومی کشور مطرح و پس از تأیید برای تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب

فرهنگی ارائه می‌شود. با توجه به اینکه روز موسیقی در جلسات شورای فرهنگ عمومی به تصویب نرسیده است، شایسته است رسانه‌های محترم از اعلام روزهای غیر مصوب این شورا خودداری کنند.»

این در حالی است که محمد سریر، دبیر هیئت مدیره و سخنگوی خانه موسیقی اعلام کرده است: «کمیته نام‌گذاری شورای سیاست‌گذاری فرهنگ عمومی در تاریخ سی‌ام فروردین ماه سال جاری در نامه‌ای رسمی به ما اعلام کرد که نام‌گذاری روز نهم مهر ماه سال تولد فارابی به عنوان روز ملی موسیقی مورد تأیید قرار گرفته است.»

او در این باره ادامه می‌دهد: «این کمیته باید تصمیم خود را به شورای سیاست‌گذاری فرهنگ عمومی اعلام کند و پس از آن این موضوع به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام می‌شود. در حقیقت نام‌گذاری این روز قطعی است فقط باید بعضی از مراتب اداری آن طی شود تا از سوی این شورا به طور رسمی اعلام و در تقویمها ثبت شود. موسیقی و هنرمندان موسیقی بخش عمده‌ای از ظرفیتهای هنری این کشور را تشکیل می‌دهند. تأثیرات فرهنگی

این هنر در کشور روشن است و موسیقی باستانی دارد که روزی ملی داشته باشد.» اما با وجودی که مدت‌ها از این موضوع می‌گذرد هنوز موافقت یا مخالفت با این روز اعلام نشده است و ثبت این روز در تقویم ملی در حالتهای ابهام قرار دارد. عده‌ای دلیل عدم موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی را روز تولد فارابی می‌دانند و معتقدند این روز روز مناسبی برای نام‌گذاری نیست. اما تازیوش پیرنیاکان درباره علت انتخاب این روز می‌گوید: «نهم مهر ماه روز تولد ابونصر فارابی، فیلسوف و موسیقیدان بزرگ ایرانی است و روز مناسبی است برای تولد خانه موسیقی. ما این خانه را متعلق به تمام هنرمندان موسیقی می‌دانیم. پس روز موسیقی روز افتتاح خانه موسیقی است.»

امسال برنامه‌هایی که قرار بود به مناسبت روز موسیقی برگزار شود، در حالی که هیچ‌کس نمی‌توانست از آن روز به عنوان روز ملی موسیقی یاد کند.

